

ناگفته‌های خورشید

مطلب منتشر نشده‌ای از زندگی سیاسی امام خمینی

در گفتگو با:

حجت الاسلام و المسلمین استاد یوسفی غروی (۱)



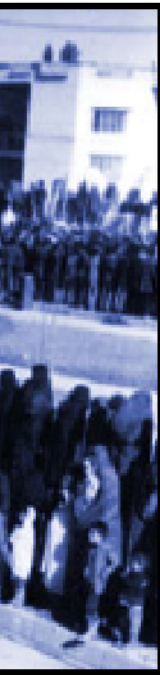
در زمان مرجعیت مرحوم آیت‌الله بروجردی^۱ و حکومت پهلوی دوم، طبق متمم قانون اساسی آن زمان، شخص اول مملکت و یا نخست‌وزیر با شش نفر از وزرا در دو عید مذهبی غدیر و عید ملی نوروز به دیدار شخص اول روحانی مملکت می‌رفتند. بر همین اساس، در زمان نخست‌وزیری اقبال، وی و شش نفر از وزرا هم‌زمان با عید غدیر خدمت آیت‌الله بروجردی رسیدند. این دیدار در زمانی اتفاق افتاد که دولت برای اجرای آزمایشی اصلاحات ارضی در ایران مقدمه‌چینی می‌کرد و قرار بود این طرح را از شیراز و شهر کازرون آغاز کند. پیش از این دیدار، مرحوم بهاء‌الدین محلاتی که از علمای شیراز و نماینده آیت‌الله بروجردی بودند، با آیت‌الله بروجردی تماس گرفته و این خبر را به ایشان اطلاع می‌دهند و می‌پرسند: آیا شما می‌فرمایید برای برخورد با این مساله خودم متصدی شوم یا خودتان با این مساله برخورد می‌کنید؟ آیت‌الله بروجردی مسئولیت پیگیری این مساله را خود برعهده می‌گیرند.

دکتر اقبال در آن دیدار، طبق موادی از متمم قانون اساسی (که باید در حد نیم‌ساعت به معرفی حاضران بپردازند) افراد حاضر را معرفی می‌کند. هنگام معرفی وزیر کشور (وزیر امور داخله) هم‌زمان با سخن اقبال که می‌گوید: وزیر امور

ساده‌لوح، خودکم‌بین و ظاهرینی هستند که به راحتی در دامن دشمن می‌افتند و قادر به تشخیص چهره واقعی دشمن نیستند. چهره زیبای حق را هم نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند، نه از حق جانبداری می‌کنند و نه از رهبر و امام خویش فرمانبری. با مردم خویش یک‌رنگ نیستند و در غبار آلودگی جامعه و فتنه‌ها به سادگی در دامن باطل غوطه‌ور می‌شوند و نمی‌توانند سره را از ناسره تشخیص دهند. فرد و جامعه صاحب بصیرت، کسی است و جامعه‌ای که بشنود، بیندیشد، بنگرد و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد. آنگاه راه روشن و همواری را ببویید و از افتادن در پرتگاه‌های آن و گم شدن در کژراه‌هایش بپرهیزد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۳، ص ۴۸۴، واژه «بصیرت».
۲. نهج البلاغه، خ ۸۸.
۳. همان، ص ۸۲ و ۹۸.
۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم چالوس و نوشهر، ۱۵ مهر ۱۳۸۸.
۵. نهج البلاغه، خ ۱۰۸، ص ۱۳۲.



باشاه تعیین می‌کنند. محل این ملاقات، منزل تولیت (از ثروتمندان و مشخصان قم) بود. به امام \boxtimes گفته بودند که طبق مقدمات تشریفات، نیم‌ساعت قبل از حضور شاه، شما باید آن‌جا باشید. ایشان جواب می‌دهند: فضولی موقوف! من نماینده آیت‌الله بروجردی هستم و شرایط خودم را به ایشان گفته‌ام. امام \boxtimes در روز ملاقات، بیست دقیقه بعد از ورود شاه به محل ملاقات می‌آیند و شاه را در منزل تولیت معطل می‌کنند. وقتی امام \boxtimes وارد منزل می‌شوند، به امام \boxtimes می‌گویند: شاه در هشت دری نشسته و منتظر ملاقات شماست. ایشان می‌فرمایند: من با آیت‌الله بروجردی شرط کرده‌ام که در کیفیت ملاقات نماینده تام‌الاختیار ایشان باشم! به امام \boxtimes مجدداً می‌گویند: شاه روی‌رو نشسته است و منتظر شماست. امام \boxtimes در هنگام ورود، به اتفاق دیگری می‌روند. این اتفاق دو در داشته است؛ یکی بلند و یکی کوتاه. امام می‌فرمایند: اگر مانعی نیست در کوتاه سمت حیات را باز کنید و در بلند را ببندید. اتفاق را آن چنان که امام \boxtimes خواسته بودند، آماده می‌کنند. ایشان در اتاق می‌نشینند و می‌فرمایند: من این‌جا هستم، اگر کسی کار دارد بیاید این‌جا! و با این کار، شاه مجبور می‌شود که از همان در کوتاه خم شده، به دیدار امام \boxtimes برود! نتیجه مذاکره این می‌شود که هیئتی تحت اشراف دکتر سیدمحمد محیط طباطبایی

ماشین به هم متصل شده بود. هراس از این اعتراض‌ها مأموران دولتی را بر آن داشت که خدمت آیت‌الله بروجردی برسند و ایشان را راضی کنند که از سفر به عراق منصرف شود. خبر قصد عزیمت آیت‌الله بروجردی به عراق در میان مردم می‌پیچد و سیل اعتراض‌ها به راه می‌افتد. از جمله در قم، سادات محله چهل‌اختران، دسته عزاداری بزرگی به راه می‌اندازند. ایشان با شعار «یا حسین! یا حسین! و حسین حسین» به سمت بازار حرکت می‌کنند؛ البته باگذشت زمان مشخص می‌شود که منظور مردم از حسین، آیت‌الله حسین بروجردی است، نه امام حسین (علیه‌السلام). هم‌زمان با رسیدن دسته عزادار مردمی به بازار، کسبه نیز مغازه‌ها را تعطیل می‌کنند و به دسته عزاداری می‌پیوندند و همراه مردم در صحن حرم حضرت معصومه \boxtimes جمع می‌شوند. این حرکت در روز دوازدهم محرم شکل می‌گیرد. در این تجمع، حجت‌الاسلام زاهدی از سوی آیت‌الله بروجردی بر منبر می‌رود و می‌گوید: حضرت آیت‌الله بروجردی از بعضی منویاتی که شاه داشت و می‌خواست اجرا کند، ناراحت بودند و می‌خواستند به مسافرت بروند، اما الان تفاهمی شده و بناست ارتباطی برقرار شود و مذاکراتی در این زمینه انجام شود. در ادامه قرار می‌شود شاه شخصاً به قم بیاید. آیت‌الله بروجردی نیز برای نشان دادن ادامه قهر خویش، امام خمینی \boxtimes را برای مذاکره

داخله، آیت‌الله بروجردی می‌گویند: مأمور داخله! و بلافاصله می‌پرسند: این کیست که در شیراز شلوغ می‌کنند؟ اقبال می‌گوید: آقای بهارمست، استانداری خیلی خوبی است. آیت‌الله بروجردی پاسخ می‌دهند: ایشان تنها در بهار، مست نیست، چهار فصل سال «مست» است! آنها فوراً متوجه موضوع می‌شوند و چون در مأموریت بودند، برنامه خود را ادامه می‌دهند. سپس شروع به صحبت از اجرای اصلاحات و تقسیمات ارضی و به‌ویژه تعریف و تمجید کردن از این طرح در عراق می‌کنند. (۲) اقبال می‌گوید: اعلی‌حضرت سلام می‌رسانند و می‌گویند: در بعضی از دول مجاوره، بعضی از قوانین اجرا شده است. اجازه می‌فرمایید این‌جا هم این اصلاحات اجرا شود؟ آیت‌الله بروجردی در جواب می‌گویند: سلام مرا به شاه برسانید و... (در این اثنا صدای ایشان بلند می‌شود و با عصبانیت ادامه می‌دهند که) بگویید: عراق، اول جمهوری شده، بعد این قوانین در آن اجرا شد! یعنی اگر بخواهید این قوانین را در این‌جا اجرا کنید، من این‌جا را جمهوری خواهم کرد! پس از این جلسه، شایع می‌شود که آیت‌الله بروجردی می‌خواهند از ایران به عراق بروند. (۳) این سخن از سوی وکلای آیت‌الله بروجردی منتشر شده و به مردم تهران می‌رسد. پس از دهه اول محرم، ماشین‌های مسافران معترض در جاده قدیم قم و تهران طوری حرکت می‌کردند که آن جاده، گویا از



بعد از خودشان قرار دهند. اما آیت‌الله بروجردی تکرار می‌کنند که ما مایوس شده‌ایم و قدرتی در دست نداریم. به همین اندازه قانع شویم و هیبت خودمان را حفظ کنیم تا این فرصت اندک هم، در این حد، از دست نرود. امام ره پس از ناامیدی از قانع شدن مرحوم آیت‌الله بروجردی، می‌فرمایند: پس اجازه دهید من در چنین جلسه‌ای شریک نباشم. این برای شما خوب نیست که من این‌جا باشم و امضا نکنم و اختلاف ما ظاهر شود؛ بنابراین، اجازه دهید من بروم. سپس برمی‌خیزند و می‌روند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ایشان از شاگردان حضرت امام در نجف اشرف بودند.
۲. در همان زمان این طرح در کشور عراق و در زمان عبدالکریم، رئیس جمهور نظامی این کشور در حال اجرا بود.
۳. البته بعداً معلوم شد که مساله سیاسی بوده و این شایعه از سوی دفتر ایشان با هدف فشار بر حکومت پهلوی صورت گرفته است و هدف اصلی، قهر آیت‌الله بروجردی با دولت بود، نه سفر ایشان به عراق.
۴. در آن جلسه قرار می‌شود تا زمانی که آیت‌الله بروجردی زنده است، شاه از اجرای این طرح صرف‌نظر کند. نظر امام ره این بوده است که باید قید شود تا زمانی که شاه زنده است این طرح اجرا نشود. چون به نظر امام، این طرح تکلیف مراجع بزرگوار بعد از آیت‌الله بروجردی را سنگین می‌کرد.

می‌فرمایند: تجربه تاریخی مرجعیت شیعه نشان داده است که مرجعیت واحد هیچ وقت برای کسی تمام نمی‌شود، مگر به قیمت تحت‌الشعاع قرار گرفتن دیگران، و از همین رو وقتی آن مرجع از دنیا می‌رود، کسی مشهور و شناخته شده نیست؛ چراکه اصلاً مرجعیت واحد به این است که معارض و مشابه او قد علم نکند، بنابراین دیگران شناخته نشده‌اند. به همین دلیل، پس از آن مرجع واحد، مرجعیت پخش می‌شود و بعد از شما دست‌کم از قم و تهران و مشهد و نجف ممکن است ده‌ها رساله منتشر شود. (این پیش‌بینی امام ره محقق شد: آیت‌الله خوانساری از تهران و آیت‌الله میلانی از مشهد رساله دادند. نجف هم که عالمان خودش را داشت). در نتیجه، با این روال، مسئولیت آن مرجع واحد تنها در زمان خودش نیست، بلکه مرجعیت پس از خود را نیز تا زمان استقرار مرجعیت جدید که حداقل سه سال طول می‌کشد، برعهده دارد.

این امر، یکی از تلاش‌های امام بود که اگر آیت‌الله بروجردی از مرگ شاه پیش از رحلت خودشان ناامید هستند و اگر مایوس هستند از این‌که شاه بپذیرد که تا در قید حیات است، اصلاحات ارضی را آغاز نکنند. زمان توقف اجرای اصلاحات ارضی را حداقل تا سه سال

که از سادات زواره اصفهان بودند و تا حدودی با مسائل و اصطلاحات فقهی و شرعی آشنا بودند، مشخص شود. دکتر طباطبایی استاد دانشگاه بود و سابقه حوزوی داشت و به همین دلیل واسطه تفاهم خوبی بود.

معمولاً آیت‌الله بروجردی در تابستان به روستای وشنوه می‌رفتند. آن هیئت به مدت شش شب خدمت ایشان رسیدند، یعنی روز را در تهران بودند و شب‌ها به دیدار آیت‌الله بروجردی در وشنوه می‌رفتند. شب ششم، قبل از رسیدن آنها، امام ره به آیت‌الله بروجردی می‌گویند: با توجه به روند مذاکرات، چنین به‌نظر می‌رسد که می‌خواهید اکتفا کنید به این‌که تا شما در قید حیات هستید، شاه این منویات را اجرا نکند. ایشان پاسخ داد: بله. امام می‌پرسند: چرا؟ آیت‌الله بروجردی جواب می‌دهند: شما نیز در مذاکرات بودید، بیشتر از این جای امیدی بود؟ امیدی نبود! لذا مایوس شدیم و ناچاریم امشب به‌عنوان نتیجه مذاکرات، به همین قانع شویم. (۴) امام ره بسیار پافشاری می‌کنند که آیت‌الله بروجردی عکس آن مطلب را بگویند. یعنی بگویند که «تا شاه حیات دارد، این طرح اجرا نشود».

آیت‌الله بروجردی دلیل این اصرار و پافشاری را از امام می‌پرسند. امام ره